



دانشگاه فردوسی مشهد

دانشکده کشاورزی

گروه اقتصاد کشاورزی

پایان نامه کارشناسی ارشد

بررسی پروفیل اعتبارات کشاورزی و عوامل موثر بر مدیریت

هزینه کرد اعتبارات کشاورزی در استان خراسان رضوی

سهیلا پوریزدیان

تابستان 1389



دانشکده کشاورزی
گروه اقتصاد کشاورزی

پایان نامه کارشناسی ارشد

بررسی پروفیل اعتبارات کشاورزی و عوامل موثر بر مدیریت هزینه کرد اعتبارات کشاورزی در استان خراسان رضوی

سهیلا پوریزدیان

استاد راهنما:

دکتر محمدرضا کهنسال

استاد مشاور:

دکتر محمد قربانی

تابستان 1389

تعهد نامه

عنوان پایان نامه: بررسی پروفیل اعتبارات کشاورزی و عوامل موثر بر مدیریت هزینه کرد اعتبارات در استان خراسان رضوی

اینجانب سهیلا پوریزدیان دانشجوی دوره کارشناسی ارشد رشته اقتصاد کشاورزی دانشکده کشاورزی دانشگاه فردوسی مشهد تحت راهنمایی دکتر محمدرضا کهنسال متعهد می‌شوم:

- نتایج ارائه شده در این پایان نامه حاصل مطالعات علمی و عملی اینجانب بوده، مسئولیت صحت و اصالت مطالب مندرج را به طور کامل بر عهده می‌گیرم.
- در خصوص استفاده از نتایج پژوهشهای محققان دیگر به مرجع مورد نظر استناد شده است.
- مطالب مندرج در این پایان نامه را اینجانب یا فرد دیگری به منظور اخذ هیچ نوع مدرک یا امتیازی تا کنون به هیچ مرجعی تسلیم نکرده است.
- کلیه حقوق معنوی این اثر به دانشگاه فردوسی مشهد تعلق دارد. مقالات مستخرج از پایان نامه، ذیل نام دانشگاه فردوسی مشهد (Ferdowsi University of Mashhad) به چاپ خواهد رسید.
- حقوق معنوی تمام افرادی که در بدست آمدن نتایج اصلی پایان نامه تأثیر گذار بوده‌اند در مقالات مستخرج از رساله رعایت خواهد شد.
- در خصوص استفاده از موجودات زنده یا بافتهای آنها برای انجام پایان نامه، کلیه ضوابط و اصول اخلاقی مربوطه رعایت شده است.

تاریخ

نام و امضاء دانشجو

مالکیت نتایج و حق نشر

- کلیه حقوق معنوی این اثر و محصولات آن (مقالات مستخرج، برنامه‌های رایانه‌ای، نرم افزارها و تجهیزات ساخته شده) به دانشگاه فردوسی مشهد تعلق دارد و بدون اخذ اجازه کتبی از دانشگاه قابل واگذاری به شخص ثالث نیست.
- استفاده از اطلاعات و نتایج این پایان نامه بدون ذکر مرجع مجاز نیست.

تقدیم به:

پدر عزیز و مادر مهربانم

که همواره حامی و پشتیبانم بوده‌اند. آنان که از وجود خود مشعلی در نشان و پرفروغ فراراه من ساخته و تار و پودوستی مرا با عشق، مهر و مصیبت خود سرشته‌اند.

تقدیم به همسرم

بهترین یاری که بدون بهلی و همراهی مهربانانه اش عبور از فراز و نشیب های زندگی غیر ممکن می نماید.

تقدیر و شکر

پاس خداوند را که یاری دهنده ام بود تا در این برهه از زندگی بتوانم با وجود مشکلات طاقت فرساند و خسته‌امی را به تجربه‌های کاری و علمی خود میافزایم. به حق جای

آن دارد که صمیمانه از زحمات استاد فاضل و کراتقدر جناب آقای دکتر کهنسال شکر و قدر دانی نمایم و از جناب آقای دکتر محمد قربانی که به‌کاری بی‌درنی با من

داشتند اند نیز کمال شکر را دارم. همچنین از کلیه اساتیدی که سالهای زیادی را از محضرشان درس و اخلاق فرا گرفته‌ام پاسکندارم.

چکیده

در این مطالعه تلاش شده است تا پروفیل اعتبارات موجود با پروفیل اعتبارات پیشنهادی 164 کشاورز استان خراسان رضوی در سال 1388 مقایسه شود و با استفاده از روش تحلیل چندپاسخه (MCA) و بهره‌گیری از الگوی لاجیت عوامل موثر بر مدیریت هزینه‌کرد اعتبارات کشاورزی مورد بررسی قرار گیرد. نتایج نشان داد بین پروفیل اعتبارات موجود و پروفیل اعتبارات پیشنهادی در بعضی از موارد اختلاف زیادی وجود دارد. همچنین متغیرهای نرخ بهره و نظارت کارشناسان بانک تأثیر مثبت و معنی دار و متغیرهای مدت وام، بازپرداخت اقساط و نوع وثیقه تأثیر منفی و معنی دار بر احتمال بکارگیری وام در حوزه تولید دارند. متغیرهای میزان وام، بازپرداخت اقساط، فاصله بین تقاضا و دریافت وام و نوع وثیقه تأثیر مثبت و معنی دار و متغیرهای سطح تحصیلات، تنوع فعالیتهای کشاورزی و نحوه پرداخت وام توسط بانک تأثیر منفی و معنی دار بر احتمال هزینه‌کرد وام در حوزه مصرف دارند. با بهره‌گیری از الگوی توبیت، عوامل موثر بر تقاضای بالفعل و بالقوه اعتبارات مورد بررسی قرار گرفت که نتایج نشان داد تقاضای بالفعل اعتبارات نسبت به متغیرهای نرخ بهره، نحوه پرداخت وام توسط بانک، بازپرداخت اقساط و فاصله بین دریافت وام و شروع اقساط و تقاضای بالقوه اعتبارات نسبت به متغیرهای تحصیلات کشاورز، تجربه کشاورز، درآمد کشاورزی، مدت وام، بازپرداخت اقساط، فاصله بین دریافت وام و شروع اقساط و درصد پاسخگویی بانک به تقاضای وام کشش پذیر است. در پایان پیشنهاداتی به منظور بهبود کیفیت اعتبارات ارائه شده است.

کلید واژه‌ها: اعتبارات، پروفیل، تحلیل چند پاسخه، تقاضای بالفعل، تقاضای بالقوه، هزینه‌کرد

فهرست مطالب

1- مقدمه و اهداف.....	1
1-1 مقدمه.....	1
1-2 اهداف.....	4
1-3 سازماندهی مطالعه.....	4
2- پیشینه مطالعات.....	5
3- چارچوب نظری و روش تحقیق.....	10
3-1 مقدمه.....	10
3-2 الگوهای تحلیل.....	10
3-3 تحلیل چندپاسخه.....	11
3-4 الگوی لاجیت.....	12
3-5 الگوی توییت.....	16
3-6 روش نمونه گیری و تعیین حجم نمونه.....	23
3-6-1 داده ها.....	23
3-6-2 روش نمونه گیری.....	23
4- نتایج و بحث.....	25
4-1 مقدمه.....	25
4-2 ویژگی های نمونه.....	25
4-2-1 ویژگی های اقتصادی-اجتماعی.....	25
4-2-2 تحصیلات.....	27
4-2-3 تنوع فعالیتهای کشاورزی.....	27
4-2-4 مالکیت.....	29
4-3 بررسی پروفیل اعتبارات کشاورزی.....	29
4-4 بررسی شکاف عرضه و تقاضای وام در بخش کشاورزی.....	38
4-5 نتایج برآورد تحلیل چند پاسخه و الگوی لاجیت.....	39
4-6 نتایج برآورد الگوی توییت.....	59
4-6-1 عوامل موثر بر تقاضای بالفعل و بالقوه اعتبارات.....	59
4-6-2 عوامل موثر بر تقاضای بالفعل و بالقوه اعتبارات در زیر بخش های نیازمند سرمایه	69
کم.....	69

3-6-4- عوامل موثر بر تقاضای بالفعل و بالقوه اعتبارات در زیر بخش های نیازمند به

78.....سرمایه بالا.....

87.....**5- نتیجه گیری و پیشنهادات**.....

87.....5-1- مقدمه.....

87.....5-2- نتیجه گیری.....

89.....5-3- پیشنهادات.....

91.....**منابع**.....

فهرست جداول

- جدول 1-3- متغیرهای مستقل مورد استفاده در الگوهای لاجیت و توبیت..... 21
- جدول 1-4- میانگین برخی از ویژگی های جمعیت مورد مطالعه..... 26
- جدول 2-4- توزیع فراوانی تحصیلات کشاورزان..... 27
- جدول 3-4- توزیع فراوانی نوع فعالیت اصلی کشاورزان..... 28
- جدول 4-4- توزیع فراوانی تنوع فعالیت های کشاورزی کشاورزان..... 28
- جدول 5-4- توزیع فراوانی مالکیت اراضی کشاورزان..... 29
- جدول 6-4- پروفیل کنونی اعتبارات بخش کشاورزی..... 32
- جدول 7-4- پروفیل پیشنهادی اعتبارات بخش کشاورزی..... 35
- جدول 8-4- برآورد شکاف عرضه و تقاضای وام..... 38
- جدول 9-4- حوزه های هزینه کرد اعتبارات دریافتی کشاورزان..... 39
- جدول 10-4- ضرایب الگوی لاجیت عوامل موثر بر مدیریت هزینه کرد اعتبارات دریافتی در حوزه تولید..... 44
- جدول 11-4- ضرایب الگوی لاجیت عوامل موثر بر مدیریت هزینه کرد اعتبارات دریافتی در حوزه مصرف..... 49
- جدول 12-4- ضرایب الگوی لاجیت عوامل موثر بر مدیریت هزینه کرد اعتبارات دریافتی در حوزه خرید تکنولوژی جدید..... 53
- جدول 13-4- ضرایب الگوی لاجیت عوامل موثر بر مدیریت هزینه کرد اعتبارات دریافتی در حوزه خرید زمین و دام..... 57
- جدول 14-4- ضرایب الگوی توبیت عوامل مؤثر بر تقاضای بالفعل اعتبارات..... 61
- جدول 15-4- کشش های الگوی توبیت عوامل مؤثر بر تقاضای بالفعل اعتبارات..... 63
- جدول 16-4- ضرایب الگوی توبیت عوامل مؤثر بر تقاضای بالقوه اعتبارات..... 66
- جدول 17-4- کشش های الگوی توبیت عوامل مؤثر بر تقاضای بالقوه اعتبارات..... 68
- جدول 18-4- ضرایب الگوی توبیت عوامل مؤثر بر تقاضای بالفعل اعتبارات کشاورزی در زیر بخش های نیازمند به سرمایه کم..... 71
- جدول 19-4- کشش های الگوی توبیت عوامل مؤثر بر تقاضای بالفعل اعتبارات کشاورزی در زیر بخش های نیازمند به سرمایه کم..... 74
- جدول 20-4- ضرایب الگوی توبیت عوامل مؤثر بر تقاضای بالقوه اعتبارات کشاورزی در زیر بخش های نیازمند به سرمایه کم..... 76

- جدول 4-21- کشش‌های الگوی توبیت عوامل مؤثر بر تقاضای بالقوه اعتبارات کشاورزی در زیر بخش‌های نیازمند به سرمایه کم.....78
- جدول 4-22- ضرایب الگوی توبیت عوامل مؤثر بر تقاضای بالفعل اعتبارات کشاورزی در زیر بخش‌های نیازمند به سرمایه بالا.....80
- جدول 4-23- کشش‌های الگوی توبیت عوامل مؤثر بر تقاضای بالفعل اعتبارات کشاورزی در زیر بخش‌های نیازمند به سرمایه بالا.....82
- جدول 4-24- ضرایب الگوی توبیت عوامل مؤثر بر تقاضای بالقوه اعتبارات کشاورزی در زیر بخش‌های نیازمند به سرمایه بالا.....84
- جدول 4-25- کشش‌های الگوی توبیت عوامل مؤثر بر تقاضای بالقوه اعتبارات کشاورزی در زیر بخش‌های نیازمند به سرمایه بالا.....86

فصل اول

مقدمه و اهداف

1-1- مقدمه

توسعه اقتصادی از جمله خواسته‌ها و آرمان‌های همه ملت‌ها و حکومت‌ها به شمار می‌رود. دستیابی به توسعه اقتصادی نیازمند مؤلفه‌های مختلفی می‌باشد که از جمله این مؤلفه‌ها، رشد و توسعه بخش کشاورزی است. این بخش یکی از بخش‌های عمده اقتصاد ایران است که با محدودیت و موانع متعددی روبرو می‌باشد (رحیمی سوره و میر، 1386). مهمترین محدودیتی که باعث شده است ایران در بخش کشاورزی به رشد قابل توجه و مورد انتظار نرسد، کمبود منابع مالی کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت برای تأمین مالی فعالیت‌های گوناگون این بخش حیاتی کشور است. توان مالی اندک سبب شده است که نیاز کشاورزان به سرمایه یا اعتبارات به منظور دسترسی به خدمات و نهاده‌های جدید برای گذار از کشاورزی سنتی و همچنین رفع نیازهای مصرفی و هزینه‌های جاری تولید، بیشتر گردد.

بنابراین اعطای تسهیلات و اعتبارات به کشاورزان، راهگشای بسیاری از مشکلات آنها می‌باشد (نجفی و یعقوبی، 1384). در حال حاضر، بانک‌ها و مؤسسات مالی مختلفی اقدام به تأمین مالی و پرداخت اعتبارات به کشاورزان می‌کنند. اما بررسی عملکرد کلان مؤسسات مالی مختلف، حاکی از وجود وضعیتی نامناسب در توزیع اعتبارات منابع مالی از یک طرف و ناکارایی در تجهیز منابع خرد از طرف دیگر است (حسن زاده و قویدل، 1384). همچنین مشاهدات در بازار اعتبارات بانکی ایران، طی سالهای اخیر نشان دهنده عدم تعادل در این بازار به معنای عدم برابری عرضه اعتبارات از سوی بانک‌ها و تقاضا برای اعتبارات بانکی بوده است. در میان بانک‌های موجود در کشور، بانک کشاورزی عمده‌ترین مؤسسه رسمی تأمین اعتبار در بخش کشاورزی می‌باشد و به عنوان تنها نهاد مالی تخصصی در بخش کشاورزی ایران، تأمین مالی این بخش را انجام می‌دهد به طوری که بیش از 60٪ اعتبارات اعطایی به فعالیتهای کشاورزی را تأمین می‌کند (محتشمی و سلامی، 1386). این بانک طی سال‌های گذشته اقدام به اعطاء وام‌ها و تسهیلاتی با ویژگی‌های متفاوت برای فعالیت‌های مختلف نموده است اما این اعتبارات به دلایل مختلفی شامل ناکافی بودن حجم اعتبارات، تشریفات دست و پاگیر، زمان‌بندی نامناسب بازپرداخت وام و همچنین عدم برنامه‌ریزی مشخص در این حوزه‌ها، یا از بازدهی لازم برخوردار نمی‌باشند و یا با عدم بازپرداخت اقساط مواجه هستند (بیات، 1386). بنابراین عدم سودآوری حداکثری از نظام تأمین مالی و نارضایتی کشاورزان از دریافت وام، تضادی است که بانک‌ها و مؤسسات مالی با آن مواجه اند. بوجود آمدن این تضاد دلایل گوناگونی دارد که بخشی از آن به پروفیل¹ اعتبارات کشاورزی برمی‌گردد که منطبق بر ویژگی‌های فعالیت‌های کشاورزی، ویژگی‌های فرد کشاورز، توان مؤسسه مالی و سود انتظاری آن نمی‌باشد. ایجاد پروفیل اعتبارات کارآمد، فرآیند اعطای اعتبارات به متقاضیان را کارتر می‌کند. تصمیمات آگاهانه در اعطای اعتبارات که بر اساس

1- مستندسازی ویژگی‌های اعتبارات

پروفیل اعتبارات گرفته می‌شود، این امکان را برای میلیون‌ها متقاضی ایجاد می‌کند که بتوانند نیازهای خود را تأمین کنند. پروفیل اعتبارات می‌تواند توسط افراد مختلفی از جمله وام‌دهندگان، اعطاء کنندگان تسهیلات و اعتبارات، بیمه‌گذاران و کارفرمایان به منظور تصمیم‌گیری و حذف تضادهای موجود، مورد استفاده قرار بگیرد.

از سوی دیگر اعتبارات پرداختی به کشاورزان می‌تواند برای اهداف گوناگونی هزینه شود. به عبارت دیگر، کشاورز اعتبار دریافتی خود را می‌تواند صرف اموری چون هزینه‌های تولید، خرید تکنولوژی جدید و خرید زمین و دام کند و یا حتی ممکن است که این وام‌ها از مسیر و اهداف اولیه خود منحرف شده و در نهایت اعتباراتی که به بخش کشاورزی تخصیص داده شده از بخشهای دیگر سر در آورد بطوریکه صرف هزینه‌های مصرفی، پس انداز در بانک مسکن و یا بازپرداخت وام‌های دیگر شود. این موضوع هم اکنون یکی از مشکلات عمومی کشورهای در حال توسعه می‌باشد (شاو، 1973). اما می‌توان با بررسی عواملی که بر تصمیم کشاورز برای هزینه‌کرد اعتبار تأثیر گذارند، این مشکل را حل نمود و احتمال خروج این وام‌ها از بخش کشاورزی را به حداقل رسانید و کشاورز را ترغیب به صرف آن برای امور تولیدی نمود.

با توجه به آنچه بیان شد، تدوین پروفیل اعتبارات کشاورزی و بررسی عوامل موثر بر مدیریت هزینه‌کرد اعتبارات این امکان را فراهم می‌آورد تا مدیران و برنامه‌ریزان اعتبارات کشاورزی از نگاه یک بعدی پرهیز و به بعد دیگر اعتبارات یعنی تقاضا توجه ویژه‌ای داشته باشند و اعتبارات را با نگاهی بر رفتارهای کشاورزان پرداخت نمایند و همچنین شرایط لازم برای برنامه‌ریزی پرداخت اعتبارات و نحوه هزینه‌کرد آن برای جلوگیری از فرار اعتبارات را فراهم آورند. لذا در این مطالعه تلاش شده است تا پروفیل اعتبارات بخش کشاورزی مورد بررسی قرار گیرد تا بتواند در نهایت، تصویری واقعی‌تر از

فضای حاکم بر اعتبارات پرداخت شده و همچنین اعتبارات مورد نیاز بخش کشاورزی در اختیار مسئولین نظام تأمین مالی کشاورزی قرار دهد. همچنین تلاش شده است تا عوامل موثر بر مدیریت هزینه کرد اعتبارات دریافتی کشاورزان مورد بررسی قرار گیرد تا بتواند مشکلات ناشی از خروج اعتبارات از اهداف تعیین شده را برطرف کند.

2-1- اهداف

- بررسی پروفیل کنونی اعتبارات بخش کشاورزی
- بررسی پروفیل اعتبارات پیشنهادی کشاورزان و مقایسه آن با پروفیل موجود
- بررسی عوامل موثر بر مدیریت هزینه کرد اعتبارات دریافتی کشاورزان
- بررسی عوامل موثر بر تقاضای بالفعل و بالقوه اعتبارات کشاورزی
- بررسی عوامل موثر بر تقاضای بالفعل و بالقوه اعتبارات کشاورزی در زیر بخش‌های نیازمند سرمایه اندک و بالا

3-1- سازماندهی مطالعه

در فصل دوم مروری بر پیشینه پژوهش صورت گرفته است. فصل سوم به بررسی مواد و روشهای مورد استفاده می‌پردازد. در فصل چهارم نتایج و بحث ارائه شده است و در نهایت، فصل پنجم به ارائه خلاصه بحث و پیشنهادات می‌پردازد.

فصل دوم

پیشینه مطالعات

پروفیل اعتبارات کارآمد در بخش کشاورزی از جمله موضوعات مهم و تاثیرگذار در فرآیند تصمیم‌گیری‌های مدیریتی محسوب می‌شود اما بررسی مطالعات موجود نشان می‌دهد که اگرچه کارهایی در زمینه بازپرداخت اعتبارات و عوامل مؤثر بر آن، شکاف میان عرضه و تقاضای اعتبارات، ریسک اعتباری و نرخ بهره صورت گرفته است اما در زمینه بررسی پروفیل اعتبارات هیچ‌گونه مطالعه‌ای یافت نشد که این مسأله خود اهمیت بررسی این موضوع را در ایران مورد تأیید و تأکید قرار می‌دهد که هدف این مطالعه است. با توجه به این مسأله، مطالعات مرتبط با موضوع این مطالعه مورد بررسی قرار گرفته است.

جین و یانگ (2009) در مطالعه‌ای به بررسی تأثیر ریسک محصولی بر تقاضای اعتبارات می‌پردازد. اطلاعات مورد نیاز در این مطالعه از 800 تولیدکننده ذرت و بادام‌زمینی که مهمترین منبع ریسک آنها میزان بارندگی می‌باشد، به دست آمده است. آنها کشاورزان را به صورت تصادفی به دو

دسته تقسیم کرده‌اند. به دسته اول پیشنهاد دریافت اعتبار برای خرید بذر ذرت و بادام زمینی هیبریدی داده‌اند. به دسته دوم نیز یک بسته اعتباری مشابه پیشنهاد شده است، با این تفاوت که کشاورزان ملزم به خرید قرارداد بیمه آب و هوایی هستند که این بیمه در شرایط بارندگی ضعیف از تمام یا بخشی از اعتبار پرداخت شده، صرف نظر می‌کند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که در مورد کشاورزانی که پیشنهاد اعتبار همراه با بیمه داشته‌اند، تقاضا کمتر از 13 درصد بوده است درحالی‌که تقاضا در میان گروه دیگر 33 درصد بوده است. شواهد نشان می‌دهد که علت کاهش تقاضا در میان گروهی که بیمه داشته‌اند، وجود تعهدات محدودکننده در بیمه‌های قبلی بوده است.

کاملینتر و کیچلر (2007) مطالعات مختلف انجام شده در مورد استفاده از اعتبارات را مورد بررسی قرار داده و مدلی برای آن ارائه نموده‌اند. این مدل، استفاده از اعتبارات را به دیگر تصمیمات استفاده‌کنندگان ارتباط می‌دهد و از سه بخش مهم تشکیل شده است: 1- مراحل قبل از گرفتن اعتبار، 2- مراحل در حین گرفتن اعتبار و 3- مراحل بعد از گرفتن اعتبار. آنها در مطالعه خود کمبودها و شکاف‌های موجود در تحقیق بر روی استفاده از اعتبارات را تشخیص داده‌اند.

ویکراما یاناک (2004) در مطالعه‌ای به بررسی ساختار مالی، اعتبارات و همچنین تغییرات در نحوه تأمین مالی در بخش غیررسمی (روستایی) سریلانکا پرداخته است. در این مطالعه از داده‌های مقطعی و سری زمانی به صورت همزمان بهره گرفته شده است. اولین بخش این مطالعه به تجزیه و تحلیل توصیفی ساختار مالی سریلانکا می‌پردازد. بخش دوم به بررسی پس‌انداز، سرمایه‌گذاری و نحوه پرداخت وام بخش غیررسمی اختصاص یافته است. در نهایت بخش سوم به بررسی اعتبارات روستایی پرداخت شده به تولیدکنندگان برنج می‌پردازد. این بخش از مطالعه شامل تجزیه و تحلیل رگرسیونی با استفاده از داده‌های سری زمانی برای دوره 1980-2001 می‌باشد. نتایج رگرسیون نشان می‌دهد که میزان اعتبارات پرداختی رابطه مثبتی با تعداد شعب بانک روستایی و میزان بازپرداخت اعتبارات دارد.

همچنین نتایج نشان می‌دهد که میزان بازپرداخت اعتبارات متأثر از بیمه محصولات، قیمت برنج آسیاب نشده و میزان اعتبارات پرداختی می‌باشد.

جبار و همکاران (۲۰۰۲) در مطالعه‌ای به بررسی عرضه و تقاضای اعتبارات بخش دامداری در آفریقا پرداخته‌اند. آنها در تجزیه و تحلیل عرضه اعتبارات در اتیوپی، کنیا، اوگاندا و نیجریه به این نتیجه رسیده‌اند که موسسات رسمی تأمین اعتبار، وجوه کافی برای پاسخ به تقاضای اعتبارات مربوط به بخش دامداری را ندارند. علاوه بر این اعتبارات موجود نیز در اختیار کسانی که واقعا به آن احتیاج دارند قرار نمی‌گیرد. تجزیه و تحلیل تقاضا بر روی خانوارهای نمونه وام‌گیرنده و غیروام‌گیرنده که از تکنولوژی پیشرفته تولید لبنیات استفاده می‌کنند، نشان داد که همه وام‌گیرندگان به علت محدودیت نقدینگی وام نمی‌گیرند. در این مطالعه نتایج تجزیه و تحلیل رگرسیون لاجیت نشان داد که متغیرهای جنسیت و تحصیلات سرپرست خانوار، آموزش تولید لبنیات، اعطاء وام و تعداد دام‌های مزرعه تأثیر معنی‌داری بر گرفتن وام و وضعیت نقدینگی خانوار داشته است اگرچه میزان و جهت تأثیر در کشورهای مختلف یکسان نبوده است.

نیلی و سبزواری (1387) در مطالعه‌ای به درجه‌بندی اعتبار پرداخته‌اند. آنها در مدل خود به هر مشتری نمره‌ای اختصاص داده‌اند که به عنوان شاخصی از ریسک مشتریان شناخته می‌شود. آنها با مقایسه این نمره با نمره مرزی، مشتریان ریسکی و غیرریسکی را از هم مجزا می‌کنند. در این مطالعه به منظور ارزیابی مشتریان حقوقی یکی از بانک‌های خصوصی، مدل امتیازدهی لاجیت برآورد و سپس روش غیرپارامتریک تجزیه و تحلیل سلسله مراتبی (AHP) معرفی می‌شود.

احمدپور برازجانی و حسینی پور (1386) در مطالعه‌ای به بررسی عوامل موثر بر تقاضای اعتبارات کشاورزی با استفاده از روش‌های اقتصادسنجی پرداخته‌اند. آنها اطلاعات مورد نیاز خود را از طریق مصاحبه با 120 کشاورز سیستانی در سال 1380 جمع‌آوری کرده‌اند. نتایج این مطالعه نشان

می‌دهد که میزان تقاضا برای اعتبارات رابطه مثبت با قیمت محصول دارد و به ازاء یک درصد افزایش قیمت محصول، تقاضا برای اعتبارات 1/859 درصد افزایش می‌یابد؛ ولی افزایش نرخ بهره تأثیر بسیار اندکی بر تقاضای اعتبارات دارد به طوری که کشش تقاضا نسبت به نرخ بهره فقط در حدود 0/18 درصد است.

عرب مازار و روئین تن (1385) در مطالعه‌ای به شناسایی عوامل موثر و تدوین مدلی برای سنجش ریسک اعتباری مشتریان حقوقی بانک کشاورزی ایران با استفاده از روش رگرسیون لاجیت پرداخته‌اند. در این مطالعه اطلاعات کیفی و مالی یک نمونه تصادفی 200 تائی از شرکت‌هایی که طی سال‌های 1378 تا 1383 از شعب بانک کشاورزی استان تهران، تسهیلات اعتباری دریافت نموده‌اند بررسی شد. در این تحقیق پس از بررسی پرونده‌های اعتباری هریک از نمونه‌ها، در ابتدا 36 متغیر توضیح‌دهنده شامل متغیرهای کیفی و مالی شناسایی و بررسی شد. از بین متغیرهای موجود با استفاده از تحلیل رگرسیون لاجیت در نهایت 17 متغیر که اثر معنی‌داری بر ریسک اعتباری و تفکیک بین دو گروه از مشتریان خوش حساب و بد حساب داشتند، انتخاب و مدل نهایی به وسیله آنها برآزش شد. آنها در انتها نشان دادند که بر اساس شاخص‌های آماری، این توابع از نظر ضرایب و همچنین قدرت تفکیک‌کنندگی معنی‌دار و اعتبار بالایی دارند.

حسینی و خالدی (1384) در مطالعه‌ای، هزینه مبادله تأمین اعتبارات توسط تولیدکنندگان کشاورزی را برآورد نموده‌اند. آنها با استفاده از الگوهای اقتصادسنجی، عوامل تأثیرگذار بر هزینه مبادله را نیز تعیین نموده‌اند. داده‌های بکار رفته در این مطالعه از نمونه‌ای شامل 258 نفر از برنج‌کاران استان مازندران جمع‌آوری گردید. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که هزینه مبادله وام‌گیرندگان معادل نرخ بهره 3/72 درصد می‌باشد. به عبارت دیگر هزینه مبادله، نرخ بهره موثر برای زارعین را از متوسط 13/67 درصد توافقی به 17/39 درصد افزایش داده است. نتایج برآوردهای اقتصادسنجی این مطالعه

نشان می‌دهد که با افزایش اندازه وام، هزینه مبادله دریافت وام به ازاء هر واحد کاهش یافته است. همینطور دسترسی زارعین به اطلاعات، هزینه مبادله را کاهش و افزایش فاصله زارعین تا مراکز دریافت وام منجر به افزایش هزینه مبادله دسترسی به وام شده است. از نتایج به دست آمده می‌توان دریافت که بالا بودن هزینه مبادله در بازارهای مالی می‌تواند انگیزه‌های زارعین را برای ورود به این بازار از بین ببرد.

باقری و نجفی (1383) در مطالعه‌ای به بررسی عوامل موثر بر بازپرداخت اعتبارات کشاورزی در استان فارس پرداخته‌اند. آنها آمار و اطلاعات مورد نیاز را از بانک کشاورزی و تکمیل 163 پرسشنامه از زارعین استان فارس جمع‌آوری نموده‌اند. همچنین آنها به منظور دستیابی به هدف پژوهش با تفکیک کشاورزان به دو گروه بازپرداخت کننده و قصورکننده، از تابع تجزیه و تحلیل تشخیصی با متغیر وابسته نرخ بازپرداخت استفاده کرده‌اند. نتایج تابع تجزیه و تحلیل تشخیصی در سطح استان نشان داد که به ترتیب اهمیت نسبی، متغیرهای خسارت طبیعی، نسبت درآمد مزرعه‌ای به درآمد کل، درآمد مزرعه، بیمه محصولات، میزان پس‌انداز، فاصله انتظاری برای دریافت وام، نظارت و سرپرستی کارشناسان بانک، طول دوره بازپرداخت وام، نوع فعالیت بکارگیری وام، شاخص تنوع، کثرت خریداران، درآمد خارج از مزرعه، سطح زیر کشت، تحصیلات و متغیر مجازی شهرستان سبب تمایز دو گروه بازپرداخت کننده و قصورکننده شده‌اند. از بین متغیرهای با اهمیت تابع تشخیصی، متغیرهای خسارات طبیعی و فاصله انتظاری برای دریافت وام سبب کاهش احتمال بازپرداخت وام شده و سایر متغیرها موجب افزایش احتمال بازپرداخت وام شده‌اند.

فصل سوم

چارچوب نظری و روش تحقیق

1-3- مقدمه

در این فصل ابتدا مبانی تئوری تحقیق به صورت خلاصه معرفی و سپس روش جمع‌آوری آمار و اطلاعات ارائه شده است.

2-3- الگوهای تحلیل

الف- به منظور بررسی عوامل مؤثر بر مدیریت هزینه‌کرد اعتبارات کشاورزی از روش تحلیل چندگزینه‌ای یا چندپاسخه و الگوی لاجیت استفاده شده است که در زیر بصورت مختصر به این دو روش اشاره می‌شود.